

گفت و گو با حجت الاسلام
عبدالله نوری وزیر کشور
درباره لایحه شوراها

شوراهای اسلامی، تشکل های مفید و مؤثری برای خدمت به مردم خواهند بود

اشاره:

برداشت های خود را از لایحه
تشریح کردو در پایان، خواستار
تعیین "مرزهای اجراء و تقنین" به
صورت دقیق تر گردید. آقای نوری
پیشنهاد کرد که این موضوع مستقل
در دستور مطالعات "مرکز
پژوهش ها" قرار بگیرد.

آنچه در پی می آید، مشروح
گفتگو با وزیر کشور در باب لایحه
شوراهاست. سابقه قانون شوراها از
بدو پیروزی انقلاب تا کنون، با
اشاره به اصول متناظر آن در قانون
اساسی در حاشیه این مصاحبه برای
آگاهی بیشتر خوانندگان آورده
شده است.

ساختاری مورد بازشناسی دقیق قرار
گرفته و زمینه مطلوب برای اجرای
اصول قانون اساسی فراهم آمده -
ضمن اینکه محتوای مردمی تر نیز
برای شوراها پیش بینی شده است.
آقای عبدالله نوری می گویند:
شوراها در آینده در خدمت مردم
خواهند بود و زمینه های جدی تری
از حضور در امور جاری خودشان
را در خواهند یافت.

اهمیت بحث شوراها و تقارن
ارائه لایحه به مجلس شورای
اسلامی، بهانه ای برای دیدار و
گفتگوی مفصل با وزیر کشور
گردید. وزیر کشور در این گفتگو

بسی گمان، لایحه جدید
شوراهای اسلامی با هیئت و
محتوایی که یافته، یکی از مهمترین
لوايح مجلس چهارم خواهد بودو
در صورت تصویب، تغییرات
ساختاری عمده ای را به همراه
خواهد داشت. در اجرای هفت
اصل قانون اساسی تا کنون، پنج
قانون و اصلاحیه قانونی از سوی
شورای انقلاب و مجلس شورای
اسلامی به تصویب رسیده، ولی
هیچکدام راهگشاهای مناسب
برای اجرای این اصول فراهم
نیآورده است. وزیر کشور معتقد
است که در این لایحه، ضعف های

شوراهای اسلامی؛ از آغاز تا امروز

غلام ابوالفتحی

الف: شورا از دیدگاه
ارزشهای اسلامی:

شورا از ریشه دارترین
اصول عرفی و مقررات سستی
و از بسارزترین شیوه‌های
عقلایی در زندگی جمعی
است. قدیمی‌ترین شیوه‌ها و
روش‌های مسدیریت در
تکاپوی اجتماعی نوع بشر،
نمودها و نشانه‌هایی از نظام
شورایی را به همراه دارد.

با توجه به شیوه اسلام در
امضای سنتهای سازنده و
مثبت اقوام و ملل و تأکید بر
حفظ مقررات و ضوابط
عرفی مفید و خلاق که در
احکام امضایی اسلام
بوضوح دیده می‌شود، جای
تعجب نیست که این آئین
فطری در مورد اصل شورا نیز
شیوه عقلایی و آئین عرفی را
پذیرفته و بر آن صحنه نهاده
است.

با توجه به ماهیت
حکومت اسلامی قوانین و

□ مجلس و پژوهش: همانگونه
که استحضار دارید به لحاظ
وظیفه‌ای که در مرکز پژوهشها
داریم، ابتدا با مسئولین ذیربط یک
گفتگویی را انجام می‌دهیم سپس،
نتایج آن گفت و شنود را در اختیار
پژوهشگران می‌گذاریم و در مجله
«مجلس و پژوهش» نیز منتشر
می‌کنیم. اکنون در خدمتتان هستیم
در خصوص لایحه تشکیل
شوراهای اسلامی و همچنین
وظایف و مکانیزم انتخاب
شهرداران که در اواخر سال گذشته
از سوی دولت تقدیم مجلس شده
است، اگر اجازه بفرمایید، با همین
مقدمه کوتاه وارد موضوع بشویم.

می‌دانیم که قانون اساسی در
هفت اصل به شوراها پرداخته است
و ضرورتها و پیش‌نیازها و
چارچوبهایی را نیز برای آن
مشخص و معلوم کرده است. در این
رابطه اولین مصوبه‌ها را در سال ۵۸
توسط شورای انقلاب داریم. و پس
از آن در سال ۵۹ لایحه قانونی
تشکیل شوراهای اسلامی کارخانه
واحدهای تولیدی، صنعتی و

موازن این حکومت
 تضمین‌گر نفسی هرگونه
 استبداد فکری و اجتماعی و
 انحصار اقتصادی بوده و در
 خنط گسستن از سیستم
 استبدادی و سپردن سرنوشت
 مردم به دست خودشان
 تلاش می‌کند و نظر به
 مشارکت فعال و گسترده تمام
 عناصر اجتماعی در روند
 تحول جامعه باید زمینه
 چنین مشارکتی را در تمام
 مراحل تصمیم‌گیری‌های
 سیاسی و سرنوشت‌ساز برای
 همه افراد اجتماع فراهم آورد.
 به طور کلی، چون رشد و
 حرکت تکاملی و رسیدن به
 عدل و قسط در جامعه
 اسلامی جز از طریق
 مشارکت فعال و گسترده تمام
 عناصر اجتماع در روند تحول
 جامعه سیاسی نمی‌توانند
 تحقق یابد، اصل شورا برای
 حکومت اسلامی نمادی
 اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.
 اصل شورا به عنوان
 شیوه‌ای در مدیریت جامعه
 اسلامی بر پایه مبانی قرآن و
 سنت استوار است و با توجه

کشاورزی و خدماتی را داریم و
 بدنیال آن در سال ۶۱ قسانون
 تشکیلات شوراهای اسلامی
 کشوری و نهایتاً در سال ۶۵ هم
 قانون اصلاح تشکیلات شوراهای
 اسلامی کشوری از تصویب
 می‌گذرد. نهایتاً اکنون مواجه هستیم
 با لایحه‌ای که از طرف وزارت
 کشور به هیئت وزیران ارائه شده
 است و از آنجا به مجلس تقدیم
 گردیده است.

جناب آقای نوری، روح کلی
 حاکم بر این لایحه چیست و این
 لایحه در جستجوی حل چه
 مشکلی است که در مصوباتی که
 قبلاً برشمردیم برای آنها
 چاره‌جویی نشده بود؟

آقای عبدالله نوری: بسم‌الله الرحمن الرحیم.
 همانطور که اشاره فرمودید، در هفت اصل از اصول
 قانون اساسی بحث شوراها آمده و بر ضرورت و نیاز به
 اصل نهادی به نام شورا تکیه شده است، بعضی از کلیات
 را هم در مورد با تشکیل شوراها در آن راستا برشمرده و
 روش اجرایی و مراحل مختلف تشکیل آن را به قانون
 واگذار کرده است. آنچه که در قوانین طی دوره‌های

به آیات قرآن که در زمینه
 خصایص و شیوه عملکرد
 مؤمنان (امرهم شوری بینهم)
 و نیز به صورت دستوری بر
 پیامبر (ص) و شاور هم قبی
 الامر آمده و نیز با بررسی
 نمونه های عملی در سیره
 پیامبر اسلام (ص) که در جنگ
 بدر و احد و خندق و
 همچنین در جریان عهدنامه
 پیامبر با مردم طائف دیده
 می شود باید غیر قابل انکار و
 تردید تلقی گردد.
 به طور کلی، مشروعیت
 اصل شورا را نمی توان به
 گسسته ای از اجماع و سیره
 مسلمین که از ادله معتبر و
 منابع فقه به شمار می رود، به
 دست آورد. همچنین دلیل
 عقلی نیز به خاطر نزدیکی
 بودن به واقع، نتیجه شورا و
 تبادل نظر بر لزوم شورا را در
 امور مربوط به مصالح
 عمومی حکم می کند و اصل
 شورا در اسلام اختصاص به
 مسائل فردی و مسائل
 شخصی ندارد و قابل تعمیم
 به همه امور و شئون
 اجتماعی و سیاسی و

مختلف مطرح شده، گاهی بعضی از وهن ها و نواقص را
 داشته است. چون در کشور ما تا به حال شوراها تجربه
 روشنی نداشته اند، آتیه مشخصی را هم پیش روی ما
 نگذاشته اند و قوانین مربوطه هر از چندگاه، بدون اینکه
 به مرحله اجرا برسد، صرفاً اصلاح می شوند. چه بسا
 ممکن است همین برداشت نسبت به لایحه اخیر هم
 بشود که شاید این هم صرفاً اصلاحات است. یکی از
 مسائلی که در چارچوب قانون شوراها وجود داشته و
 شاید نتیجتاً منجر به تشکیل شوراها نشده و مسئله
 همینطور مسکوت مانده، این بوده که شورا پیش از
 اینکه یک نهاد مردمی برای انجام کارهای مردمی باشد،
 به صورت یک تشکیلات سیاسی و حزبی نمود پیدا
 کرد، یعنی تشکلهایی بصورت از قاعده تا رأس هرم
 شکل پیدا کرده است! کمتر کشوری را ما سراغ داریم که
 تشکیلات شوراهايش به این شکل باشد. شوراها یک
 تجربه ای است که برای اولین بار در کشور ما انجام
 می شود و بر ایمان خیلی هم روشن نیست که آیا موفق
 گردد، کار مردم را راه می اندازد یا اینکه خودش هم به
 یک مجموعه کاری برای تشکیلات تبدیل می شود؟ چه
 بسا از هدف خودش بازماند و فاصله بگیرد! چیزی که
 ما الآن در قانون شوراها پیش بینی کرده ایم، این است که
 به جای ایجاد یک تشکیلات منسجم، گسترده، سراسری
 و مرتبط با هم، شوراهايي کاملاً مردمی منقطع عرضه
 کنیم، بطوری که هر منطقه ای برای خودش شورایی
 داشته باشد، بصورتی که در دنیا هم به این شکل وجود
 دارد. مهمترین چیزی که الآن در این لایحه پیش بینی

اقتصادی و مسائل حکومتی است؛ زیرا ملاک و معیاری که در مورد شورا در روایات آمده، همه امور و شئون زندگی اجتماعی را شامل می‌گردد. از آنجا که هر شورا مستلزم نوعی آزادی و اختیار است و اسلام در پاره‌ای از موارد قلمرو آزادی و اختیار را محدود کرده است، ناگزیر اصل شورا نیز محکوم این اصل است و از این رو قلمرو شورا در دو مورد زیر محدود می‌گردد:

۱- در مورد الزامات شرعی و احکام ثابت الهی که با شور قابل تغییر نیست و اصل شورا تنها می‌تواند، راه اجسرا و برنامه‌ریزی آن را مشخص کند.

۲- الزامات و فرامینی که بر اثر تصمیم‌گیری پیامبر (ص) و امام (ع) و ولی فقیه در حوزه عناوین ثانوی و احکام متغیر و اوامر حاکم شرع صادر می‌گردد.

به طور کلی، مسئله مهم نحوه و کیفیت اجرای این اصل است که به دو صورت

شده نقشی است که شورای شهر در مسائل شهر و یا شورای دهستان در مسائل دهستان دارد؛ به این معنی که مردم هر شهری برای خودشان انتخابات برگزار می‌کنند و تعدادی بین پنج تا یازده نفر را به عضویت در شورای شهر انتخاب می‌کنند. مسئولیت وظایفی که به عهده شورای شهر گذاشته شده، در واقع به عهده این افراد است کما اینکه در خصوص اداره دهستان نیز شورای دهستان خواهیم داشت. البته، انتخاب شورای دهستان مستقیم نیست و به عهده شوراهای روستاهاست؛ ولی انتخاب شورای روستا مستقیم است. چیزی که ما پیگیر آن هستیم این است که نقش فعال در مسائل روستاها را شورای دهستان به عهده داشته باشد. طبیعتاً در هر روستایی شورای روستا خواهیم داشت، ولی نهادی که به عنوان مسئول امور روستاها شناخته می‌شود، شورای دهستان است که منتخب پنج نفره از شوراهای روستاهاست. بنابراین، ما در آتیه به لحاظ تشکیلاتی، شوراهایی خواهیم داشت که مردم در هر نقطه و منقطع از نقطه دیگر آنها را انتخاب می‌کنند و این شوراها مسئولیتهایی را که به عهده‌شان واگذار شده انجام می‌دهند.

در کنار این بحث، وظایف شوراهای مطرح است. وظایفی که در این لایحه پیش‌بینی شده، بویژه در شورای شهر بسیار گسترده‌تر از وظایفی است که در قوانین قبل به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. در قوانین تصویب شده قبل، وظایفی که واگذار شده بسیار

قابل تصور است:

۱- شورا به عنوان بازوی مدیریت و ارشاد کننده و اهرمی برای کنترل و نظارت بر مدیریت؛ چنین شورایی از مسئولیت‌های مدیریت منبجاست و تصمیم‌گیری نهایی با مدیریت بوده و شورا نمی‌تواند مانع جریان عملی مدیریت باشد. البته، در صورت مشاهده خلاف می‌تواند از طریق مراجع قانونی مدیریت را بازخواست نماید. به عبارت دیگر، می‌تواند در صورت مشاهده خلاف اخطار کند و یا از طریق مراجع قانونی مدیریت را مورد سؤال و یا مؤخذه قرار دهد.

۲- شورا به عنوان مقام تصمیم‌گیرنده و جایگزین مدیریت فردی و عهده‌دار کلیه مسئولیت‌ها و وظایف مدیریت سازمان که در این صورت مدیریت به طور گروهی بوده و اداره امور سازمان منوط به نظر شورا خواهد بود.

کنسازبرد دوگانه شورا

محدود است. اصولاً دو تفکر وجود داشته و دارد، یکی آنکه چون در مورد با شورا تجربه نداریم و از الآن نمی‌توانیم دورنمای آن را تصور کنیم، پس وظایف محدودتری به آنها واگذار نماییم تا بعد از آنکه شورا کارش را شروع کرد، به هر میزانی که آمادگی داشت وظایف و اختیارات جدید به عهده‌اش گذاریم. یک تفکر هم این بود که نه، از اول وظایف نسبتاً گسترده‌ای به عهده شورا گذاشته شود. که تفکر دوم در هیئت دولت تصویب شد و تمام اختیاراتی که در قوانین قبل به شورای شهر و انجمن‌های شهری داده شده بود، به شورای شهر واگذار گردید که بسیار گسترده است. شاید مجموعه وظایفی که به شورای شهر واگذار می‌شود بیش از پنجاه وظیفه باشد که به نظر من کار بسیار بزرگی است و در قوانین قبلی این چنین پیش‌بینی نشده بود.

در مورد با شورای دهستان هم وظایف گسترده‌تر از قبل است. البته، اگر شورای دهستان کارش را شروع کند، چه بسا بتوان رفته‌رفته بعضی از وظایفی را که به عهده شورای شهر است، به شورای دهستان داد؛ ولی چون سابقه نداشته و قوانین مختلفی در شورای شهر وجود دارد که برخی از آنها صرفاً به عنصر شهر و شهرداری مربوط است، نمی‌توان این مجموعه را به ده داد؛ باید آن را بررسی کرد.

□ مجلس و پژوهش: در مقدمه

لایحه مشخصاً از اهداف سیاسی

لایحه سخن گفته شده است. این

متفاوت است و در مسائل حاد و فوری و فوری معمولاً نوع اول و در موارد بنیادی و درازمدت و غیرفوری نوع دوم به کار گرفته می‌شود. بدیهی است در مسائل و اموری مانند مسائل و امور نظامی که به فرامین آبی و سریع احتیاج دارد، اعمال نوع دوم شورا می‌تواند ضایعات جبران‌ناپذیری به دنبال داشته باشد و فرصتهای ذیقیمتی از دست برود.

ب: اصل شورا در قانون اساسی:

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هر دو نوع شورا پیش‌بینی شده و بنا به ضرورت از هر دو نظام بهره‌برداری شده است. به این ترتیب که نظام شورایی در شورای نگهبان، خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی، شورای عالی امنیت ملی و شورای وزیران (هیئت وزیران) در خصوص اصل یکصد و سی و هفتم قانون اساسی «هر یک از وزیران

اهداف به نظر جنابعالی چیست و چه ضرورت‌های سیاسی طرح آن را ایجاب کرده است؟

آقای عبدالله نوری: اصولاً در کشورهای مختلف (طبق بررسی که وزارت کشور انجام داده)، مجموعه طبقاتی که قدرت تصمیم‌گیری دولتی را در اختیار دارند، از سه یا چهار طبقه بیشتر نیستند (به اصطلاح طبقات طولی)، یعنی یکی مرکزیت نظام می‌باشد که تصمیم‌گیرنده اصلی و عمدتاً مسلی است. مرحله بعد استانهاست که تصمیمات دولتی را اتخاذ می‌کنند و در مرحله بعد شهرستانها قرار دارند.

البته، ما در کشور خودمان عنوان استان و شهرستان را داریم، در جاهای دیگر تمایز دیگری هست و عناوین مختلفی مثل ایالات، ولایات، مناطق و... جاری است و هر کجا برای خودش اصطلاحی دارد. گاهی یک زیرمجموعه دیگر هم به اینها اضافه می‌کنند که ما در کشور خودمان اسمش را ممکن است «بخش» یا چیز دیگری بگذاریم.

در کشور ما طبقات تصمیم‌گیری وابسته به دولت پنج رده است: مرکزیت، استان، شهرستان، بخش و دهستان. یعنی ما الآن در مجموعه تشکیلات خودمان تا دهستان مأمور دولت یا مسئولانی از مأمورین دولتی داریم که تصمیماتی اتخاذ می‌کنند. در بحثهای زیاد و گسترده‌ای که وزارت کشور با گروهی از استانداران و

مسئول وظایف خاص
خوشی در برابر رئیس
جمهور و مجلس است و در
اموری که به تصویب هیئت
وزیران می‌رسد، مسئول
اعمال دیگران نیز هست. از
نوع دوم بوده و شوراهای
روستایی، بخش، شهر،
شهرستان و استان که در اصل
یکسند قانون اساسی
پیشنهاد شده، از نوع اول
است؛ زیرا این شوراهای در کنار
مشوران دولتی و طبق
ضوابط و قوانین مندرج
در مجلس شورای اسلامی و
تحت شرایط خاصی باید
عمل کنند.

علاوه بر شوراهای
مصرح در اصل یکسند قانون
اساسی باید از شوراهایی که
به موجب اصل یکسند و
چهارم قانون اساسی و به
منظور تأمین قسط اسلامی و
مسکونی در تهیه برنامه‌ها و
ایجاد هماهنگی در پیشرفت
امور در واحدهای تولیدی،
صنعتی و کشاورزی مرکب از
نمایندگان کارگران و دهقانان
و دیگر کارکنان و مدیران و در

سازمان امور اداری و استخدامی و سازمان برنامه و
بودجه داشته و حتی تحقیقاتی که در مورد با کشورهای
مختلف صورت گرفته، یک جمع‌بندی حاصل شده
است که ما می‌توانیم براساس آن طبقات پنجگانه‌ای را
که در مورد با حاکمیت دولت وجود دارد به سه رده
تقلیل بدهیم. این سه رده عبارتند از: حکومت مرکزی و
حاکمیت مرکز، مسئولین استان که از سوی دولت
منصوب شده و اعمال حاکمیت می‌کنند، شهرستانها و
اعمال حاکمیت در شهرستانها از طریق مسئولینی که در
آنجا منصوب می‌شوند. اگر در تقسیمات کشوری به یک
شهرستان نگاه کنیم، عبارت است از منطقه‌ای که در آن
مجموعه‌ای از دهستانها و شهرها وجود دارد، نه چیز
دیگر؛ به تعبیر برادرانی که تقسیمات کشوری را تدارک
دیده‌اند، اگر یک شهرستان را ما در نظر بگیریم و
بخواهیم آن را کاملاً موزائیک بکنیم، می‌بینیم که
مجموعه‌ای است از چند دهستان و چند شهر. اگر ما در
مرحله شهرستان کارگماردن عناصر و مسئولین دولتی
را به پایان برسانیم و در خصوص اداره امور دهستان و
شهر این کار را از ناحیه مردم اقدام بکنیم، یعنی مردم
برای مسائل دهستانشان افرادی را انتخاب کنند و یا
مردم برای شهرهایشان افرادی را انتخاب کنند که
کارهایشان را انجام دهند، فکر می‌کنیم که کار تکمیل
می‌شود.

البته، در اینجا این سؤال وجود دارد که جایگاه بخش
چه خواهد شد، ما فکر می‌کنیم که در این بحث، بخش
باید حذف شود. الآن نیز پیشنهاد این مسئله هم از سوی

واحدهای آموزشی، اداری و خدماتی و مانند اینها مرکب از نمایندگان اعضای این واحدها تشکیل می‌شود، به عنوان شوراهای نوع اول که جنبه هدایت و ارشاد و فکری می‌دارند، نام برد.

ج: ارزش‌های قانونی در زمینه شوراهای اسلامی کشوری پسند از پیروزی انقلاب اسلامی:

۱- اصولی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
اصل هفتم - طبق دستور قرآن کریم: در امرهم شوروی بینهم و مشاورهم فی الامر شوراهنا، منجلس شوروی اسلامی، شوروی امتنان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. موارد طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراهای را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند.

اصل یکصدم - برای پیشبرد سریع برنامه‌های

وزارت کشور و هم از سوی سازمان برنامه و بودجه برای تعیین خط مشی‌های برنامه دوم به دولت پیشنهاد گردیده و در شورای اقتصاد هم با این نظر موافقت شده است که یک رده از مجموعه عناصر تقسیمات کشوری ما به صورت کامل حذف بشود و ما بعد از رده شهرستان، شهر و دهستان داشته باشیم که اینها نیز با عناصر مردمی اداره می‌شوند و طبیعتاً از ناحیه دهمدار، شهردار و یا از ناحیه خود شوراهای ارتباطی را که لازم دارند یا مسئولین شهرستانی و کشوری خواهند داشت و احیاناً مسائل و مشکلات خود را از آن طریق حل خواهند کرد. بنابراین، آنچه که به نظر می‌رسد این است که اگر اینکار انجام شود مردم احساس می‌کنند که در خیلی از مسائل مبتلا به و روزمره‌شان، خودشان تصمیم می‌گیرند و اگر نیاز است که در جایی پولی هزینه کنند، خودشان هستند که تصمیم می‌گیرند که آیا پولی را هزینه نمایند یا خیر؟ اگر از محل درآمدهای خودشان کمکی کردند، آن مسئول منتخب خودشان هم هزینه می‌کند، اگر آمادگی نداشتند، طبیعتاً آن مسئول منتخب هم امکاناتی نخواهد داشت که بخواهد هزینه بکند. مسئولینی هم که در آن مناطق هستند، چه در دهستانها و چه در شهرها، احساس می‌کنند که منتخب مردم هستند. اگر با مردم خوش‌رفتاری کنند، رفتار مناسب داشته باشند، در جهت رفع معضلات مردم تلاش کنند و این تلاش، بی‌وقفه و شبانه‌روزی باشد، مورد عنایت و توجه مردم قرار می‌گیرند و می‌توانند برای دوره‌های

اجتماعی، اقتصادی و عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهرستان و یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند.

شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب شوندگان محدود و طایفه و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد، قانون تعیین می‌کند.

اصل یکصد و یکم - به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استانها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها، شوراهای

متمادی منتخب مردم باشند؛ اما اگر رفتارشان طور دیگری بود، خودشان از قبل می‌دانند که با نوع برخوردی که کرده‌اند، مردم دیگر آنها را انتخاب نخواهند کرد، یعنی آن ارتباطی که باید با مردم برقرار بشود، خودبخود برقرار می‌شود. در آن صورت، تشکیلات دولتی بیشتر تشکیلات سیاستگذار، برنامه‌ریز و تصمیم‌گیرنده (نسبت به کارهای ستادی) خواهد بود، جز در طرحهای ملی و یا در فعالیتهایی که اعمال حاکمیت لزوم داشته باشد، مثل مسائل امنیتی. در زیر مسائل اجرایی روزمره مثل مسائل آموزشی، ورزشی، بهداشتی، خدمات شهری و روستایی و امثال اینها، این مردم هستند که هم مشکلاتشان را بهتر درک می‌کنند و هم راه‌های آنها را می‌توانند ارائه بدهند و دولت به عنوان تشکیلاتی که سیاستگذار، برنامه‌ریز و یا پشتیبانی کننده است، نقش خود را ایفا می‌کند. اینکه می‌گویم پشتیبانی کننده به این دلیل است که هر چند که ما می‌گوییم مردم اگر امکاناتی را ارائه بدهند، طبیعتاً شهردار و یا دهمدار برایشان کار می‌کنند، ولی ما باید بدانیم که شرایط کل کشور یکسان نیست و ما خیلی از مناطق را داریم که محرومند و اگر مردم تصمیمی هم بگیرند، چیزی ندارند که بخواهند اجرا نمایند و یا کاری کنند. آنجا دولت نمی‌تواند بی تفاوت بماند، باید پشتیبانی کننده باشد، مثل کمکی که به مناطق محروم می‌کند. آنجا هم دولت به عنوان کمک کننده به مناطقی است که نیازمند هستند، ولی کمکش از این مسیر طی می‌شود، یعنی آن شورای شهر و یا دهستان احساس

استانها مرکب از نمایندگان شوراهای استانها تشکیل می‌شود. نحوه تشکیل و وظایف این شورا را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و دوم - شورای عالی استانها حق دارد در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این طرحها نباید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.

اصل یکصد و سوم - اسناداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند، در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند.

اصل یکصد و چهارم - به منظور تأمین نسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراها سبب مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان

می‌کند که چنین نیازی دارد و در آن شرایط نیازش را با مسئولین شهرستانی و استانی در میان می‌گذارد و آنها از طریق دولت به عنوان کمک‌کننده و معین، آن منطقه را زیر پوشش می‌گیرند تا کمکی که می‌کنند از این طریق مسیر خودش را طی کند. بنابراین، ما فکر می‌کنیم در مورد با مسئله شوراها اگر این کار انجام بشود، بار بسیار عظیم سیاسی با حضور و تصمیم‌گیری خود مردم از دوش مسئولین برداشته می‌شود و دیگر راجع به ریزترین مسائل مسئولیت به عهده دولت مرکزی نخواهد بود، خود مردم هستند، مشکلاتشان را درک می‌کنند و تصمیم می‌گیرند که برای رفع آن چه کار بکنند. مردم هم احساس می‌کنند که حضور جدی‌تر و فعال‌تری در مسائل دارند و به نظر می‌رسد که این مسئله می‌تواند آثار بسیار مثبتی را انشاءالله داشته باشد. در همین جا، لازم است بگویم که یکی از وظایف بسیار جدی و مهم دولت در برنامه دوم مشخص شود که همان اصلاح ساختار تشکیلاتی کشور است و شاید بتوان گفت مهمترین اصلاح هم همین اصلاح خواهد بود؛ ما در برنامه دوم باید واقعاً به اصلاح ساختاری و تشکیلاتی توجه خاص کنیم و کار را به نحو شایسته جلو ببریم. ما فکر می‌کنیم اگر این لایحه در این مرحله، یعنی امسال، در مجلس محترم شورای اسلامی مورد تصویب قرار گیرد، از آغاز برنامه دوم که سال آینده خواهد بود، خیلی راحت می‌شود، هم قانون اجرا گردد و هم تا پایان برنامه دوم مشخص شود که خیلی از اموری

و دیگر کارکنان و مدیران و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مسانند اینها شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضای این واحدها تشکیل می شود. چگونگی تشکیل این شوراها و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین می کند.

اصل یکصد و پنجم - تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد.

اصل یکصد و ششم - انحلال شوراهای جز در صورت انحراف از وظایف قانونی ممکن نیست. مرجع تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراها و طرز تشکیل مسطحه آنها را قانون معین می کند. شورا در صورت اعتراض به انحلال، حق دارد به دادگاه صالح شکایت کند و دادگاه موظف است خارج از نوبت به آن رسیدگی کند.

۲- قانون شوراهای محلی مصوب ۵۸/۲/۲ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

که ممکن است ابتدائاً به نظر انسان نرسد که قابل واگذاری است، قابل واگذاری تشخیص داده شود و مردم هم نقش خود را ایفا خواهند کرد.

□ مجلس و پژوهش: جناب آقای نوری! در مورد قانون شوراها همواره از نظر سیاسی فکریهای مطرح بوده و بیشتر متوجه این بوده که ما پس از اجرا چقدر می توانیم اطمینان داشته باشیم که گردش امور گردش خوبی است و مشارکت سازنده مردم را دربردارد و ضمناً مشکلی هم متوجه نظام نیست؟

آقای عبدالله نوری: اجازه بفرمایید اینطور عرض کنم، آنچه که در قانون قبل وجود داشت بالاخره جدید این است که در قانون قبل بنظر می رسید یک مجموعه اشتغالاتی برای یک تشکلهایی بصورت یک هرم کامل به وجود آمد، یعنی ممکن بود شورا درست بشود، ولی این شورا بجای اینکه به مسائل مردم بپردازد، در ارتباط با شورای بالاتر باشد و آن نیز در ارتباط با شورای بالاتر از خود و مجموعه اینها در ارتباط با شورای بالاترشان و خود این مسائل فی مابین تبدیل به یک کاری بشود که احساس بکنند یک تشکیلات گسترده سراسری هستند و می توانند در خصوص مسائل مختلف که عمدتاً هم جنبه های سیاسی و اعمال

این قانون مشتمل بر ۱۷ ماده ساده بنوده و در مورد بنا شوراهای ده، بخش، شهر، شهرستان و استان، شرایط انتخاب شوبندگان و انتخاب کنندگان، انتخاب شهردار، حدود اختیارات و وظایف شوراهای مذکور و محدودیتهایی که از دیدگاه اختیارات و صلاحیت‌های قانونی دارد و نیز اصولی کلی و شالوده‌های اساسی که در ارتباط با سیاست عمومی دولت و حفظ حاکمیت ملی و نظم عمومی و مصالح ملی باید از طرف شوراهای محلی رعایت شود، به انشاء قانون پرداخته است.

۳- لایحه قانونی انتخابات شوراهای شهر و طریقه اداره آن، مصوب ۱۳۵۸/۷/۱ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران
این قانون مشتمل بر هفت فصل و ۴۵ ماده می‌باشد.
همان گونه که از عنوان این لایحه قانونی مستفاد

حاکمیت دارد، اقداماتی بکنند، یعنی چنانچه قانون شوراهای قبلی اجرا می‌گردد، چیزی که دوباره فراموش می‌شد مردم و کارکردن برای مردم بود. مجموعاً آنچه که به ذهن ما رسید این بود که واقعاً اگر بناست این فرد برای مردم منطقه‌اش باشد و تمام فکر و ذکرش کارکردن برای آنها، باید همه چیزهای غیر از این از ذهنش بیرون برود. لذا این که اشاره کردم شورا به صورت منقطع از همدیگر شده این است که شورای اینجا ارتباطی با شورای آنجا ندارد، کاری با آن شورا ندارد، یک شورای منتخب مردم است و برای انجام کارها و این دیگر تمام فکر و ذکرش کارکردن برای مردم می‌شود و همینطور که اشاره کردم در دنیا هم شوراها اینطوری هستند. ممکن است انتخابات شوراها براساس گماندیده‌های احزاب شکل بگیرد که آن بحث حزب است. ولی شورای این شهر هیچ ارتباطی با شورایی که در آن شهر است، ندارد. این شورا منتخب مردم بوده و آن شورا هم منتخب مردم است. دیگر یک تشکیلات هرم گونه که از قاعده شروع بشود و رأسش به یک جایی ختم گردد وجود نداشته و ندارد. در هیچ جای دنیا هم وجود ندارد. ما هم به ذهنمان رسیده که حالا فعلاً در این مرحله شوراها را به همان شکل تشکیل دهیم که تمام فکرش این باشد که برای کسانی که انتخابش کرده‌اند، کارکنند و هیچ چیز دیگر هم پیرامون این، فکرش را مشغول نکند. لذا من فکر می‌کنم که در این خصوص مشکلی نداشته باشیم.

می‌شود، مفاد آن در مورد انتخابات شوراهای شهر و طریقه اداره آن بوده و فصل‌های آن عبارتند از: فصل اول، کلیات؛

فصل دوم، شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان؛

فصل سوم، انجمن نظارت؛

فصل چهارم، شرایط داوطلبین عضویت؛

فصل پنجم، نحوه صدور برگ انتخابات و اخذ رأی؛

فصل ششم، شکایات و مقررات جزایی؛

فصل هفتم، شرایط تشکیل شورای شهر.

به موجب ماده ۳۸ این لایحه قانونی شورای شهر غیرقابل انحلال است، مگر در صورتی که اقداماتی برخلاف مصالح کشور و مخالفت وظایف و تکالیف شورا انجام بگیرد. در این صورت، با تنظیم گزارش مستدل توسط فرماندار یا بخشدار موضوع در شورای شهرنشانی سررسمی و در صورت تأیید، با اخذ نظر شورای استنسان، انحلال

□ مجلس و پژوهش: جناب آقای نوری شاید بتوان گفت که اصلی‌ترین جایگاه تجلی شورا در شهرهاست. شما چه تعریفی از شهر دارید و فکر می‌کنید آیا پیش نیازهای اجتماعی و فرهنگی که شهر را شکل می‌دهند مطرح هست یا صرف تجمع جمعیت در یک محدوده، شهر به حساب می‌آید؟ در واقع با کدام دیدگاه، لایحه به رشته تحریر درآمده است؟

آقای عبدالله نوری: تعریف شهر را قانون خود بیان کرده و البته ما خودمان تعریف خاصی نداریم. آن تعریف هم بیشتر جنبه جمعیتی دارد و بیشترین حساسیت در آن قانون به مسئله جمعیت نشان داده شده که البته درست هم هست و مهمترین عنصر در مورد شهر شدن یک منطقه همان عنصر جمعیت است. از طرفی، منطقه‌ای که ده یا دهها سال است شهر شده، در زمینه‌های مختلف خدمات شهری پیشرفتهایی داشته، اما آن روستایی که تازه به شهر تبدیل می‌شود، هنوز مجموعه نیازهایش برآورد نشده است و تازه باید برایش شروع بشود. شهرهای جدیدی که براساس مصوبات شورای عالی شهرسازی شکل می‌گیرند، طبیعتاً با مجموعه خدماتی که از ابتدا برایشان اختصاص داده می‌شود و آماده‌سازیهایی که در آنها

شورای شهر از طرف شورای شهرستان به فرمانداری بنا بخشداری اعلام می‌شود. در غیاب شورای استان و شورای شهرستان، گزارشها به وزارت کشور احواله می‌شود و انحلال شورای شهر با وزیر کشور خواهد بود.

بسه موجب ماده ۴۰، انتخاب شهردار برای مدت دو سال بنا رأی منخفی و اکثریت مطلق آراء از جمله وظایف و اختیارات این شورا خواهد بود.

به موجب ماده ۴۵، انجام انتخابات شهرهای تهران، اصفهان، شیراز، تبریز، مشهد و اهواز که شهرداری آنها دارای شعب متعددی است، با توجه به سواد تکمیلی پیوست این قانون انجام می‌گیرد.

۴- لایحه قانون تشکیل شوراهای اسلامی کارکنان واحدهای تولیدی، صنعتی کشاورزی و خدماتی مصوب ۵۹/۲/۹ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

می‌شود، بسیاری از فعالیتهای خدماتی و عمرانی شهری از آغاز برایشان مهیا می‌شود ولی بعضی از مناطق را داریم که قبلاً روستا بوده و در نتیجه گسترش، به شهر تبدیل می‌شود. مشکلات این شهر، طبیعتاً بعد از شهر شدن باید از طریق مجموعه اختیاراتی که در اختیار مسئولین شهر (شهردار و شورای شهر) قرار می‌گیرد حل شود.

□ مجلس و پژوهش: استناد

مطلق به اصول یکصد و یکصد و شش قانون اساسی در بدایت این لایحه، مترادف آن است که که شوراهای ده - بخش - شهر - شهرستان و استان باید تشکیل بشود. اگرچه جنابعالی قبلاً در اینمورد توضیح دادید ولی در خصوص مباینات و تفاوت ساختاری با آن چیزی که قانون اساسی پیش‌بینی کرده، شما چگونه می‌اندیشید؟

آقای عبدالله نوری: آن چیزی که در قانون اساسی آمده، شاید بتوان گفت که مرحله کاملی از مجموعه شوراهایی است که می‌توانند یک ترکیب هرمی را در سطح کشور بوجود آورند. ما فعلاً احساسمان این است

این قانون، بر اساس نص صریح قرآن کریم و اصول یکصد و چهار و یکصد و پنجاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد شوراهای وضع گردیده است. و استناد صریح به این موارد در متن لایحه قانونی آمده است. قانون مورد بحث، مشتمل بر ۱۶ ماده می باشد و مفاد آن به بحث در پیوسته از کارکنان شورای اسلامی کارکنان، شامل مجمع کارکنان و شورای اسلامی کارکنان، وظایف مجمع و ترکیب آن وظایف و مسئولیت شورای اسلامی کارکنان و ترکیب آن شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان، وظایف نمایندگان شورا در مدیریت به عنوان عضو رابط با حضور هیئت مدیره و نیز وظایف هیئت نظارت بر امور شوراها دایره بر تأمین حسن روابط شورا و مدیریت و تسهیم وحدت میان آنان و همچنین دایره میان شورا و مدیریت، می پردازد. علاوه بر موارد مشروح

که چون کار تجربه شده‌ای را در این راستا نداریم و فکر می‌کنیم اگر آن حالت را جلو ببریم، بیشتر از آنکه کار مردم انجام شود، کار جنبه سیاسی پیدا می‌کند و ممکن است نقش مردم و کار برای آنها فراموش گردد. لذا روی دو عنصر دهستان و شهر که بصورت ترکیبی شهرستان را تشکیل می‌دهند، فکر کرده‌ایم و این می‌تواند در راستای انجام اصول قانون اساسی - منتها به صورت مرحله‌ای - باشد.

الآن چهارده یا پانزده سال است که این اصول قانون اساسی انجام نشده حالا یا باید بگوییم که همه را با هم انجام دهیم، یا اینکه بتدریج و در مراحل مختلف به انجام رسانیم. ما فکر می‌کنیم که اگر این مرحله را بگذرانیم و بعد از آنکه این مرحله با موفقیت طی و چند سالی تجربه شد، خیلی راحت‌تر می‌شود، نسبت به شوراها بعدی تصمیم‌گیری کرد که تا چه حدی به آنها نیاز است؟ اگر نیاز وجود دارد به چه شکلی باید این نیاز برآورده شود. ما الآن در تشکیلات شوراها می‌بینیم که وجود می‌آوریم و یا وظایفی که به شوراها می‌دهیم، اینها برایمان تجربه نشده است و نمی‌دانیم که تا چه حد می‌تواند موفق باشد. بنابراین، به نظرمان رسید که کار را از یک مرحله آغاز بکنیم. این کاری هم که می‌کنیم در راستای انجام اصول قانون اساسی است و می‌بایستی با اصول قانون اساسی ندارد، یعنی مجموعه اصول بطور کامل در این مرحله اجرا نشده، ولی به نظر می‌رسد بهتر از این است که اصلاً انجام ندهیم - فعلاً این مرحله را به جلو ببریم. طبیعتاً بعد از اینکه این مرحله موفقیت‌آمیز

در فوق، به موجب ماده ۱۲ این لایحه قانونی، ترکیب اعضای هیئت نظارت بر امور شوراهای عبارت است از: دو نفر از نمایندگان شوراهای اسلامی واحدهای هر منطقه به انتخاب شوراهای مزبوره، دو نفر از مدیران واحدهای هر منطقه به انتخاب خود آنان و یک نفر نماینده دولت به انتخاب وزارت کار و امور اجتماعی. به موجب تبصره ذیل همین ماده، ریاست هیئت نظارت بر امور شوراهای پسر عهده نماینده دولت می‌باشد. از نکات قابل ذکر ایجاد یک سطح سازمانی تحت عنوان دفتر هماهنگی هیئت‌های نظارت بر امور شوراهای، در وزارت کشاورزی و امور اجتماعی، جهت تشکیل هیئت‌های نظارت بر امور شوراهای و تنظیم برنامه‌ها و رسیدگی به امور آنان و نیز ایجاد هماهنگی لازم می‌باشد. به موجب ماده ۱۳ تشکیل شوراهای در شرکتهای دولتی بزرگ از قبیل شرکتهای تابعه وزارت نفت،

بود، انشأالله برای مراحل بعدی می‌شود فکر بهتری کرد.

□ مسجس و پژوهش: پس جنابعالی مباینتی در موضوع نمی‌بینید و در واقع تفسیرتان این است که در دو مرحله یا دو یا چند گام به آن سمت حرکت می‌کند. با توجه به اینکه واقعاً در ایران تجربه روشنی در این مورد وجود ندارد و با وجود آن دل مشغولیهایی که اشاره کردم نظرتان در مورد این که در یک منطقه بصورت آزمایشی طرح را پیاده بکنیم و دست آوردهایش را اساس یک قانون قرار بدهیم، چیست؟

آقای عبدالله نوری: البته، در این مورد، به طریقه یگری آزمایشی داشته‌ایم، که عبارت از ایجاد شوراهای روستایی توسط جهاد است. ما در سطح کشور یک نوبت شوراهای روستایی را تشکیل دادیم که نسبتاً هم می‌توانستند موفقیت‌هایی را داشته باشند که بعنوان افراد معتمد روستا پی‌گیر مسائل روستایی هم بودند. ما فکر کردیم اگر دوباره در یک استان مثلاً شورای روستا یا شهر درست بکنیم، گذراندن این مراحل به صورت

شرکت ملی فولاد ایران، شرکت ملی صنایع مس ایران و... بر اساس این قانون، منوط به تصویب هیئت وزیران خواهند بود. به موجب ماده ۱۶، وزارت کار و امور اجتماعی مسئول نظارت بر حسن اجرای مفاد این قانون در مورد شوراهای اسلامی کارکنان و هیئت‌های نظارت بر امور شوراها بوده، نحوه ثبت و انحلال و شمول این قانون و تعیین واحدهای تولیدی صنعتی، کشاورزی و خدماتی و سایر موارد لازم را در آئین‌نامه مربوط تعیین و پس از تصویب در شورای عالی کار به اجرا می‌گذارد. توضیح اینکه در ابتدای این لایحه قانونی تصریح گردیده است که بر اساس اصول یکم و چهارم و یکم و پنجم قانون اساسی، وزارت کار و امور اجتماعی نباید آئین‌نامه مربوطه را تنظیم و پس از تصویب شورای عالی کار، به طور آزمایشی و برای مدت یک سال به اجرا گذارد.

آزمایشی باز معطل کردن اجرای قانون است؛ چون این آزمایش یک روزه که نیست، اگر ما بخواهیم آزمایش کنیم یکی دو سال و یا چندسال طول می‌کشد. من فکر می‌کنم اگر در کل اجرا بکنیم و مراحل تدریجی آن را رعایت نمایم، و کار را مرحله‌ای به جلو ببریم، نهایتاً خواهیم توانست اصول قانون اساسی را هم بتدریج پیش ببریم و انشاءالله مشکلی پیش نمی‌آید.

مجلس و پژوهش: اشاره قبلی جناب‌عالی به مقوله مشارکت مردم و عنوان هدف سیاسی، بیشتر به معنای مشارکت بیشتر مردم در تعیین سرنوشت خودشان می‌باشد. بنظر شما واقعاً این لایحه تا چه حد می‌تواند تجلی این نقش باشد؟ آیا پیش نیازهای دیگری مثل فعالیت‌های احزاب می‌تواند جزء پیش‌نیازهای این مقوله باشد؟

آقای عبدالله نوری: البته، بنظر می‌رسد که هیچ منافاتی با هم ندارند و تقدم و تأخری مطرح نیست، یعنی ما بحث فعال کردن کار احزاب را که در کشورمان همزمان با فعال کردن کار شوراها می‌توانیم به جلو ببریم. اگر احزاب قوی و قدرتمندی در کشور داشتیم، طبیعتاً در خصوص شوراها و در اختیار گرفتن بسیاری از شوراهای کشوری می‌توانستند موفق باشند و کارشان را

۵- قانون تشکیل شوراهای
اسلامی کشوری مصوب
۱۳۶۱/۹/۱ مجلس شورای
اسلامی

این قانون، بر اساس نص
صریح قانون اساسی (اصول
هفتم، یکصد و یکصد و
یکم، یکصد و دوم، یکصد و
سوم، یکصد و چهارم،
یکصد و پنجم و یکصد
و ششم وضع گردیده است؛
نکات قابل توجه در این
قانون را می‌توان به شرح زیر
عنوان نمود:

۱-۵- به موجب ماده ۱

این قانون: «برای پیشبرد
سریع برنامه‌های اجتماعی،
اقتصادی، عمرانی، بهداشتی،
فرهنگی، آموزشی و سایر
امور رفاهی از طریق همکاری
مردم و نظارت بر اداره امور
هر روستا، بخش، محل
(مسحله - منطقه) شهر،
شهرستان، استان و
شورای عالی استان‌ها بر اساس
مقررات این قانون تشکیل
می‌گردد»

۲-۵- به موجب ماده ۲

مدت اعتبار شوراهای دو سال

هم کارآمدتر پیش ببرند. ولی این بدان معنی هم نیست
که حالا که در آن سو احزاب قوی مطرح نیستند، ما کار
شوراها را متوقف بکنیم. بنظر می‌رسد که هر دو برای
کشور چیزهایی لازم هستند. هر دو می‌توانند نقش
خودشان را بطور خاصی ایفا بکنند و تقدم و تأخری هم
در آنها مطرح نیست. ما حالا به هر حال با آنکه قانون
احزاب داریم، کمیسیون ماده (۱۰) قانون احزاب است،
هم فعال است و جریانات مختلفی به ما مراجعه
می‌کنند و برای فعالیتشان مجوز می‌گیرند، لکن هنوز در
کشور ما شکل تحزب و گروه‌گرایی جای خودش را پیدا
نکرده و فکر هم نمی‌کنم که با گذراندن قانون و امثال آن
این مسئله حل بشود. فعلاً در کشور ما این روحیه وجود
دارد که مردم به دلایل مختلف از جریانات حزبی شاید
ابا داشته باشند و این مسئله آن طور که در همه دنیا
وجود دارد، در ایران نتوانسته است شکل بگیرد. البته،
ممکن است در این راستا، یک سلسله اقدامات و
کارهای فرهنگی و «باز فکر کردن» نسبت به مسائل و
«برخوردهای باز» نسبت به مسائل داشتن و از
«دریچه‌های تنگ» نسبت به مسائل نگاه نکردن، بتواند
روی قضیه اثر مثبت داشته باشد، ولی دورنمای خیلی
روشنی را نشان نمی‌دهد.

مجلس و پژوهش: آقای نوری،

در ماده (۲۹) لایحه در مورد تعیین

صلاحیت و کفایت مدیریتی
شهردار سخن گفته شده، اما معیار و
ضوابط خاصی را برای احراز
صلاحیت و کفایت مدیریتی
شهردار مشخص نکرده و این
مقوله‌ها هم مقوله‌های انتزاعی
است...

آقای عبدالله نوری: اصولاً یک اشکالی در
قانون‌گذاری ما وجود دارد که شاید با روش معمول در
دنیا هم تفاوت کلی دارد و باعث گرفتاری وسیعی برای
مجلس ما شده است و چه بسا مشکلات وسیعی را
برای مجریان هم بوجود آورده و آن این که قانون از
محدوده خودش فراتر رفته است، یعنی بسیاری از
چیزهایی که در همه دنیا جنبه آیین نامه‌ای دارد، در
کشور ما قانون می‌شود؛ قانون که بشود کلی و فت
قانون‌گذاری را با بحث و بررسی و تفسیر و تجزیه و
تحلیل آن می‌گیرد. بعد از اینکه قانون شد و مثلاً یک
موقعی مشکلی پیش آمد و مقرر گردید اصلاحیه‌ای داده
شود، چه مرحله‌ای باید بگذراند که این کار انجام بگیرد؟
شما خود به عنوان مجرمه‌ای که روی همین
موضوعات کار می‌کنید باید واقعاً حدود را مشخص
کنید که قانون به چه چیزی می‌گویند و به چه چیزهایی
آیین‌نامه و دستورالعمل و بخش‌نامه و چیزهای دیگر
می‌گویند و حدود مرز اینها چقدر است؟
ما در قانون انتخابات بررسی کردیم واقعاً تعجب

می‌باشد.
۵-۳- آیین‌نامه داخلی
کلیه شوراهای به وسیله
شورای عالی استانها تنظیم و
پس از تصویب وزیر کشور به
اجرا می‌خواهد آمد (ماده ۱۰).
۵-۴- شوراها در حدود
وظایف و اختیارات خود در
برابر شورای مافوق مسئول
می‌باشند (ماده ۱۲).
۵-۵- مسئولان، مسئولان و سایر
مقامات کشوری که از طرف
دولت تعیین می‌گردند بر
اساس اصل یکمصد و سوم
قانون اساسی در حدود
اختیارات شوراها ملزم به
رعایت تصمیمات
آنها می‌باشند (ماده ۱۳).
۵-۶- به موجب ماده
۱۷ این قانون شوراها دارای
شخصیت حقوقی بوده، حق
تفاهم دهنوی علیه اشخاص
حقیقی و حقوقی و دفاع در
مقابل دهنوی آنان علیه
شوراها را دارند.
۵-۷- اهرم وظایف و
اختیارات کلی شوراها برابر
ماده ۱۹ این قانون عبارتند از:

- بررسی و شناخت
کمبودها و نیسازها و
نارسایی‌های اجتماعی،
اقتصادی و عمرانی،
بهداشتی، فرهنگی، آموزشی
و سایر امور رفاهی حوزه
انتخابیه و ارائه راه حل‌های
آن به مقامات مسئول.

- تهیه طرح‌ها و
پیشنهاد‌های اصلاحی در
امور اجتماعی و ارائه آن به
شورای مافوق جهت اطلاع و
برنامه‌ریزی و به مقامات
مسئول جهت اقدامات
ممکن.

- نظارت دقیق بر اداره
امور حوزه انتخابیه و حسن
اجرای تصمیمات شورا و
قوانین کشوری و طرح‌های
مصوب.

- ارائه پیشنهادهاى لازم
برای فعال‌سازی سازمانهای
دولتی و ارگانهای انقلابی به
شورای مافوق.

- پیگیری شکایات مردم
در مورد نارسایی سازمانها و
ادارات حوزه مسربوطه از
طریق مقامات مسئول.

- برنامه‌ریزی و اقدام در

کردیم که به چه مناسبت در مورد قانون انتخابات
ریزترین مسائلی که جنبه اجرایی دارد و حقی را
نمی‌خواهد از کسی بگیرد و حقی را نمی‌خواهد به کسی
بدهد و بطور کلی چیز خاصی نمی‌خواهد بیان کند،
آورده شده است؟

آن مواردی که جنبه حقوقی داشته باشد، واقعاً باید
در قانون بیاید. اما اینها یک سلسله دستورالعمل‌هایی
است که دولت می‌تواند بنشیند و تصمیم بگیرد. قانون
قبل و فعلی انتخابات ریاست جمهوری جالب است.
بسیاری از این موارد را ما حذف نموده‌ایم و در آیین‌نامه
هم اصلاح کرده‌ایم.

در اصلاحیه‌ای که ما برای انتخابات ریاست
جمهوری دادیم و مجلس هم توافق کرد، برای خیلی از
این موارد پیشنهاد حذف داده‌ایم و مجلس هم قبول کرده
که حذف بشود و دولت خودش تصمیم بگیرد که
آیین‌نامه‌اش به چه نحوی باشد. من برای شما مثالی
می‌زنم. مثلاً اگر روش دستی باشد، چگونه شمارش
بشود؟ سر صندوق چگونه بشود؟ بعد رأی اینها چه
سرنوشتی داشته باشد و ... اگر غیر دستی باشد، آنجا
چگونه بشود؟ بعداً چه کار میکنند؟ همه اینها در قانون
مطرح شده بود! اینها را حذف کردند و گفتند با آیین‌نامه
اجرایی انجام می‌دهیم.

مجلس مگر چقدر وقت دارد که وقتش گرفته بشود؟
خود دولت می‌تواند تصمیم بگیرد که چگونه بشمارد،
یعنی با حذف آن موارد خیلی از مشکلات حذف شد!

جهت مشارکت مردم در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی بنا بر مسالمت و مسامحتی مراجع مربوط.

- ایجاد روسیه همکاری

مردم یا مسئولان کشوری در جهت تدوین انقلاب اسلامی.

- سررسای برنامه‌های

پیشنهادی از گانه‌های اجرایی

در زمینه‌های اجتماعی،

اقتصادی، عمرانی، بهداشتی،

فرهنگی، آموزشی و سایر

امور رفاهی از نظر تطبیق با

ضرورت‌های موجود در حوزه

انتخابیه شورا و جلوگیری از

تبعیض در این زمینه بین

مناطق مختلف و گوناگون

نازینایی‌ها به شورای بالاتر و

مراجع اجرایی مربوط.

- نظارت بر اجرای

مسامحت و کامل برنامه‌های

منسوب در زمینه‌های

اجتماعی، اقتصادی،

عمرانی، بهداشتی، فرهنگی،

آموزشی و سایر امور رفاهی

- شوراها می‌توانند بنا به

درخواست مسئولان، بخشی

نه اینکه بعد از آنکه حذف شده، دستورالعمل نمی‌خواهد، بلکه، دستورالعمل آن در چارچوب کار اجرایی قرار می‌گیرد که دستورالعمل می‌خواهد. حال اگر این دستورالعمل اشکال داشته باشد، خوب اصلاح می‌کنند و در مجلس برای هر کدام از اینها اگر بخواهد اصلاحیه داده شود، می‌دانید که چقدر مشکلات هم برای دولت و هم برای مجلس دارد. بنظر می‌رسد که اینکار اگر توسط مرکز پژوهشها انجام بشود، کاری بسیار با ارزش و ماندنی خواهد بود که اصولاً خود مجلس به دولت تذکر بدهد که این چیست که به مجلس می‌آورید؟ اینکه فلان موضوع به عنوان یک اصل و یک حق کلی باید بیاید، اشکالی ندارد. مواردی که بحث حقوق مردم است حتماً تصمیم گیرنده آن باید قانونگذار باشد. ممکن است گاهی حتی لازم باشد که ریز هم بشود، خوب بشود (مثل قانون تعزیرات، قانون مجازات اسلامی و...) اما در سلسله مواردی که جنبه‌های اجرایی کار می‌خواهد بیان بشود، اینکه ما یکی یکی بیاییم و بگوییم این هم در اینجا بیاید، آنهم در آنجا بیاید و حتی متأسفانه گاهی در لایحه دولت هم نباشد و تحت عنوان پیشنهاد برای محکم‌کاری یکسری مواردی بیاید، بنظر می‌رسد هم برای مجلس و هم برای دولت مشکل بوجود آورد. ما در این قانون می‌خواستیم این را رعایت کنیم. اصلاً در کمیسیون سیاسی - دفاعی دولت و در خود دولت بحث کردیم که مواردی که احساس می‌کنیم در مورد حقوق مردم است، باید در قانون بیاید. مواردی هم که احساس می‌کنیم

از اعمسال اجرایی از قبیل
بخش مواد سوختی و ارزاق
عمومی، آسارگیری و
تحقیقات محلی را بر عهده
بگیرند.

- هر شوراموظف است
حداکثر یک هفته پس از
رسمیت یافتن یک نفر را به
اکثریت مطلق آراء جهت
انتخاب برای شورای مافوق
نامزد نماید.

- شوراهای موظف اند یک
نسخه از مصوبات خود را در
اولین فرصت به شورای
مافوق و مقامات مسئول
حوزه ارسال دارند.

- هر شورا موظف است
مصوبات خود را در
موضوعات مهمه و آنچه که
جنبه عمومی دارد، به وسایل
ممکنه به اطلاع اهالی
برساند.

- همکاری بنا از گانهای
مملکتی.

- دادن گزارش های لازم و
ارائه انتقادات و اشکالات
مربوط به حوزه فعالیت خود
به نماینده یا نمایندگان آن
حوزه در مجلس شورای اسلامی

ارتباط با حقوق مردم ندارد و یکسری دستورالعملهای
اجرایی است، هیچ دلیلی ندارد که اینها را در قانون
بیاوریم. لذا شما اگر همین قانون انتخابات شوراها را با
قانون انتخاباتی که قبلاً تصویب شده، مطابقت بدهید،
خیلی از این تفاوتها را در آنجا می بینید خیلی از این
موارد ریز را ما حذف کرده ایم و گفته ایم که آیین نامه
اجرایی را بعداً دولت می نویسد. اینها را بصورت ریز
آوردن و به تصویب رساندن، این مشکل را دارد ممکن
است فردا ببینیم که در یک جایی شرایط خاصی پیدا
کرده ایم، ولی یا قانون برای ما ابهام دارد که باید
تفسیرش بکنیم و یا نه احساس تنافی می کنیم که باید
اصلاحیه بیاوریم، خوب این چه کاری است؟

مجلس و پژوهش: می شود گفت

که البته این روحیه خوبی است،
ولی وقتی لایحه را مطالعه می کنیم،
می بینیم که هنوز آن اپیدمی،
مخصوصاً در بخش انتخاباتش،
وجود دارد یعنی پیشنهاد دهندگان
نستوانسته اند خودشان را از این
مشکل بخوبی خلاص کنند. به نظر
می آید که در بخش انتخاباتش باز
می شود تلخیص تر از این هم کار
کرد.

- شوراهای می‌توانند با

هماهنگی ارگانهای اجرایی

مسئول به تشکیل انجمن‌ها و

نهادهای اجتماعی، امدادی،

ارشاد و تأسیس تعاونی‌های

تولیدی، توزیع و مصرف با

مشارکت مسووم در حوزه

فعالیت خود اقدام نمایند.

- شوراهای موظف‌اند

گزارش اقدامات سالانه خود

را در آخرین جلسه هر سال

مطرح و پس از تأیید برای

اطلاع عموم منتشر نمایند.

- نصب و عزل شهردار

- شوراهای مسئول حفظ و

اداره کلیه اسوال منقول و

غیرمنقول شورا می‌باشند و

همچنین در مورد خرید و

فروش و انتقال و اجاره و

استیجار اسوال شورا طبق

مقررات اقدام خواهند نمود.

۸-۵- به منظور رسیدگی

به تخلفات و انحرافات

شوراهای مندرج در این قانون

و در صورت لزوم انحلال آنها،

کمیسیونی مرکب از افراد زیر

در مرکز هر یک از استان‌ها

تشکیل می‌گردد:

۱- نماینده شورای عالی

از این نکته که بگذریم، بحث

دیگر، هیئت نظارت استان است.

ضمن اینکه ما به صورت مرحله‌ای

دهستان و شهر را در برنامه داریم و

هیئت نظارت استان از نماینده تام

الاختیار یا خود استاندار ترکیب

شده آیا واقعاً لزومی دارد که چنین

هیئت نظارتی باشد با توجه به

اینکه در سطح روستا و دهستان و

شهر این نظارتها پیش‌بینی شده

است و آیا این نظارت مضاعف

واقعاً لزومی دارد که در سطح استان

پیش‌بینی شود، یا خیر؟

آقای عبدالله نوری: ببینید، ما آنهایی را که به عنوان

هیئت نظارت آورده‌ایم، مسئولیت‌هایشان فرق می‌کند،

هیئت نظارت شهرستان و یا حتی پایین‌تر از آن

مسئولیت نظارت مستقیم در انتخاباتشان دارند، هیئت

نظارت استان صرفاً مسئولیت تعیین هیئتهای نظارت

زیر مجموعه را دارد و اگر که مورد اختلافی به آنها

مراجعه شد، اقدام می‌کند.

مجلس و پژوهش: یعنی نظارت

کلی دارد؟

قضایی (قوة قضائیه).

۲- نماینده وزارت کشور.

۳- نماینده شورایی استان‌ها.

و شورای منحل شده در صورت اعتراض به رأی صادره از سوی کمیسیون مذکور می‌تواند به مراکز قضایی صالحه جهت دادرسی شکایت نماید.

سلب عضویت هر یک از اعضای شورا منافی بر تخلف از وظایف قانونی به پیشنهاد سه چهارم مجموع اعضا و با رأی دادگاههای صالحه خواهد بود.

۹-۵- در مواد ۲۵ و ۲۶ این قانون، به شورای اسلامی ده، تعداد اعضا و نحوه انتخاب آنها و وظایف و اختیارات اختصاصی شورای مذکور پرداخته شده است. وظایف و اختیارات شورای ده عبارت است از:

- نظارت و همکاری با مسئولین اجرایی و نهادهای انقلابی در امور اجتماعی، فرهنگی، عمرانی، اقتصادی

آقای عبدالله نوری: بله، نظارت کلی دارد و اگر مشکلی وجود داشت، تصمیم گیرنده نهایی هیئت نظارت استان است. والا بسیاری از امور در همان محدوده هیئت نظارت شهرستان تمام و بسته می‌شود. کار ندارد، یعنی ما از مسئله هیئتهای نظارت انتخابات سراسری که داشتیم و شورای نگهبان انجام می‌داد، برداشت کردیم.

در خیلی از موارد این طور است که هیئت نظارت شهرستان کار را انجام می‌دهد و کار تمام هم می‌شود. وقتی با هیئتهای اجرایی توافق داشتند، مشکلی پیش نمی‌آید. اگر یک موردی به اختلاف رسیدند، به هیئت نظارت مرکزی که ما البته در اینجا خیلی این موارد را ذکر نکرده‌ایم - نهایتش همان هیئت نظارت استان است و دیگر بیشتر از آن نداریم - مراجعه می‌کنند.

مجلس و پژوهش: آیا اعضای شوراها بابت خدماتی که انجام می‌دهند، حق الزحمه‌ای هم دریافت می‌کنند و یا اینکه رایگان است؟ در این مورد قانون ساکت است!

آقای عبدالله نوری: بله همانطور که فرمودید قانون ساکت است، یعنی این خود مردم هستند که در خصوص مسئله تصمیم می‌گیرند، اگر آنها بایشان تمام

وقت کار می‌کنند لابد برایشان هزینه‌ای را هم می‌دهند، اگر تمام وقت کار نمی‌کنند و یا به صورت افتخاری کار می‌کنند که مشکل حل است. اما به هیچ وجه بنا نیست که اعضای منتخب تحت عناوین شوراها جزء جیره بگیران و مواجب بگیران دولت باشند که خود آن یک تشکیلات بسیار عریض و طولی را به دولت اضافه می‌کند، لذا در برنامه دولت به هیچ وجه این بحث مطرح نیست.

مجلس و پژوهش: در ارتباط با ترتیب تنظیم لایحه احتمالاً بازنگری لازم دارد چون ترتیب موجود خیلی منسجم نیست. شاید درست‌تر این باشد که ابتدا کلیات بیاید، سپس وظایف و اختیارات بیاید و بعد بقیه. از این نظر مقداری دقت نشده ولی حالا اگر این را خیلی بحث مهمی در نظر بگیریم، بحث نظارت در چند جای این لایحه پیشنهاد شده است. مخصوصاً در فصل چهارم که بحث رسیدگی به تخلفات است. ممکن است اختلاف پیش بیاید بین مسئولین اجرایی و این شوراها. یکی از برادران نماینده می‌گفت: من

از قبیل تهیه و تنظیم شناسنامه ده شامل آمار جمعیتی (ساکنان ده) و آمار و منابع و امکانات (آمارهای کشاورزی، دامی، خدماتی، صنعتی و ...)

- مراقبت در اجزای مقررات بهداشتی و حفاظت نظافت ده و ایجاد زمینه مناسب برای تأمین بهداشت محیط.

- کوشش در جهت احیای و لایروبی قنوات و نه‌رک‌های متروکه.

- همکاری و هماهنگی در امور مربوط به جلوگیری از فرسایش خاک و حفظ و عمران مزارع، باغ‌ها، مراتع، جنگل‌ها، اماکن عمومی و راه‌های ترعی و روستایی و ارائه طرح و پیشنهاد در این زمینه‌ها به شورای بخش.

- تشویق اهالی ده به ایجاد کارهای دستی و توسعه صنایع روستایی.

- تشویق مسرودم به نگهداری و تأسیس مساجد و تکایا و بقاع متبرکه و حفظ آثار باستانی.

- با تشکیل کلاسهای در آموزش اهالی در امر سوادآموزی کمک نماید.

- نظارت و پیگیری در جهت اجرای پروژه‌های اختصاص یافته عمرانی.

- همکاری و هماهنگی بسا وزارت کشاورزی و ارگانهای کهنه در زمینه با روستا فعالیت دارند و ایجاد تعاونی‌ها و نظارت بر آنها.

۱-۵ - مواد ۲۷، ۲۸ و ۲۹ در خصوص تشکیل

شورای بخش، انتخابات و تعداد اعضای شورای بخش و نیز وظایف و اختیارات این شورا می‌باشد.

وظایف و اختیارات اختصاصی شورای بخش عبارتند از:

- تسهیه و تنظیم برنامه‌های عمرانی هر سال در محدوده بخش و پیشنهاد آن به شورای شهرستان در قالب اعتبارات عمومی که به وسیله آن شورا به بخش اختصاص داده شده است.

- بررسی و اقدام لازم جهت تشکیل شرکتهای

نگران این هستم که حجم وسیعی از اختلافات از سطح ده همینطوری به سمت بالا بیاید و سازمانها، مسئولین و دستگاه قضایی را به خودش مشغول بکنند در لایحه می‌خوانیم: «نظارت بر حسن اجرای تصمیمات شورا و طرحهای مصوب و امور شهرداری» و یا «نظارت بر طرحهای عمرانی»، در یک جا هم «همکاری با مسئولین اجرایی» آمده است. خوب، اگر اول همکاری با مسئولین اجرایی است، بعد نظارت بر طرحهای عمرانی پس به نظر می‌رسد بند (و) یک مقدار شمولیت بر بند (ب) دارد؛ چون نظارت یک درجه بالاتر از همکاری است. فرض بفرمایید یک قناتی را می‌خواهند لایروبی بکنند، یا یک جاده‌ای را می‌خواهند آسفالت بکنند. نظر شورا این است که مثلاً پیمانکار باید عوض بشود، مسئول اجرایی ذیربط نظرش این است که نه! پیمانکار کارش خوب است. فکر نمی‌کنید این معنی، مشکلاتی را در عمل برای مسئولین

اجرای پیش بیارود و پیشرفت کارها را با تأخیر و کندگی مواجه بکنند؟ مخصوصاً در مرحله کنونی که مسئله اقتدار و سرعت اجرای پروژه‌های بازسازی برایمان خیلی مهم است.

آقای عبدالله نوری: اجازه بفرمایید عرض کنم در مورد وظایف شوراها چند موضوع را تقریباً بصورت کلی مطرح کرده‌ایم که به بیانات مختلفی هم در شورای دهستان، هم در شهرو هم در استان آمده و به نظر می‌رسد بسیار هم می‌تواند مفید باشد. یکی بحث آگاهی نسبت به مسائل و مشکلات و معضلاتی است که در منطقه تحت پوشش شورا ممکن است وجود داشته باشد که شورا یک مجموعه مطلعی باشد از مسائل، یک مجموعه‌ای باشد که به مسائل منطقه کاملاً احاطه داشته باشد. یک فرد تا دیروز عضو شورا نبود و یک سلسله اطلاعات جسته و گریخته وضعیتی داشت، امروز که به عنوان شورا انتخاب شد، واقعاً نیاز است که اطلاعاتش در مورد مشکلات و معضلات و استعدادهایی که منطقه، دارد به روز و کلاً خوب باشد. این، هم برای خود روستا، دهستان یا شهر بسیار مفید است، هم برای فرد که به عنوان نماینده انتخاب شده و هم برای دولت خوب است که پشوانه‌ای را دارد که اگر یک وقت نیاز یک منطقه‌ای را بخواهد، می‌تواند از این پشوانه به عنوان یکسری عناصر بصیر و مطلع با

تعاونی به منظور بسط و توسعه کشاورزی و صنایع روستایی.

- تأسیس کتابخانه

قرائت‌خانه‌های عمومی از طریق جلب همکاری اهالی و سازمانهای ذربط.

- اتخاذ تدابیر لازم به

منظور تأمین وسایل ارتباطی محل و تسهیل مراسلات

پستی.

- اهتمام در تنظیم

جغرافیایی، تاریخی و شناسنامه دهات و همکاری با سازمانهایی که در این زمینه فعالیت دارند.

- ایجاد شرایط لازم

جهت حفظ و عمران مزارع، مراتع، اماکن عمومی، راههای فرعی روستایی.

- نظارت و پیگیری در

جهت اجرای پروژه‌های اختصاص یافته عمرانی.

- کوشش برای ایجاد

تعاونی‌ها و نظارت بر آنها.

۱۱-۵- مواد ۳۰ و ۳۱

شورای اسلامی محله را در

برمی‌گیرد و در مواد ۳۲ و ۳۳

شورای اسلامی منطقه منوره

بحث قرار گرفته است.

۱۲-۵- تشکیل شورای اسلامی شهر و تعداد اعضا و وظایف و اختیارات این شورا در مواد ۳۴ و ۳۵ مورد توجه قرار گرفته است. وظایف و اختیارات شسورای شهر عبارت است از:

- مادامی که درآمدهای پیش‌بینی شده کافی نباشد، شورای شهر می‌تواند با تنفیذ ولی امر برای تأمین هزینه‌های شهرداری عوارضی متناسب با امکانات اقتصادی محل و خدمات ارائه شده تعیین نماید.

- نظارت بر حسن اداره و حفظ سرمایه و دارایی نقدی و جنبی اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری و همچنین نظارت بر درآمد و هزینه آن.

- نظارت بر اجزای وظایف شهرداری در امور بهداشت حوزة شهر و مؤسساتی که از طرف شهرداری اداره می‌شود.
- تصویب آئین نامه‌های پیشنهادی شهرداری.

اطلاعات ملموس برخوردار باشد، نه یک مجموعه جمع‌بندی‌های آماری و اطلاعاتی تشریحی. این یک مبحث است که بنظر ما چیز بسیار خوبی است.

مبحث دوم که پیش‌بینی شده بحث همکاری با مسئولین است. بحث همکاری با مسئولین برای این آمده است که احساس دوگانگی در مسئله وجود نداشته باشد. مسئولین می‌خواهند در آنجا مدرسه بسازند، راه بسازند، پل بسازند، خانه بهداشت درست بکنند، در روستا یا دهستان واقعاً این به عنوان یک وظیفه مطرح است. اصلاً بحث اختیار در این نیست، به عنوان یک وظیفه مطرح شده است. فرد موظف به همکاری است، یعنی با یک چنین احساسی باید برخورد کنند، بنا نیست که صرفاً یک آدم ایرادگیر باشند. یک آدمی است که بناست همکاری باشد و به عنوان یک وظیفه برود و همکاری بکند تا کار شکل بگیرد و در حد توانش هم می‌تواند از مردم کمک بگیرد.

بحث سومی که وجود دارد، بحث نظارت است. بحثهایی شد و بنظر رسید که می‌تواند چیز مفیدی باشد. واقعاً ممکن است در خصوص بعضی از امور که به یک تشکیلات یا به پیمانکار واگذار می‌شود، واقعاً کارشان را خوب انجام ندهند و کسی هم متوجه نشود. ما الآن یک شبکه گسترده نظارتی که با دلسوزی کامل، ریزترین مسائل را برای منطقه خودش پیگیری کند، نداریم. ما می‌گوییم اینها نظارت بکنند، «صرف نظارت»! حق ندارند هیچ نوع دخالتی بکنند، نظارت

- تصویب و تعیین نرخ
کرایه وسایل نقلیه در شهر.

- تصویب مقررات برای
تنظیم آبهای شهر و اجاره و
استجاره آبسابی که برای
مصرف شهر ضروری است و
جلوگیری از تجاوز به منابع
شهری.

۱۳-۵- تشکیل شورای
اسلامی شهرستان، ترکیب
اعضای آن و نیز وظایف و
اختیارات اختصاصی این
شورا در مواد ۳۶، ۳۷ و ۳۸
این قانون پیش‌بینی شده
است.

وظایف و اختیارات
شورای شهرستان عبارتند از:

- بررسی و تصویب
طرحهای عمرانی پیشنهادی
هر محل در قالب اختیارات
مصوب یا در نظر گرفتن
اولویتها.

- توضیح اینکه
اولویتها بر اساس
نیازمندیهای هر منطقه
تعیین گردیده و در شرایط
مساوی حق تقدم یا محلی
است که درصد بیشتری از
اختیارات طرح را تأمین نماید.

می‌کنند. حالا اگر مورد مربوط به راه است به وزارت راه
گزارش می‌دهند و... یعنی یک وظیفه و آنهم فقط
نظارت می‌کنند که این هم یک مرحله است.

مرحله بعدی که ما داریم، مرحله اقدام است. ما
اقدام یکسری از موارد را در این قانون به عهده شوراها
گذاشته‌ایم که با هم فرق دارند. بعضی چیزهایش خیلی
ریز است. بعضی چیزهایش درشت‌تر است. همانطور که
در مورد شوراهای شهری گفتیم ما اقدام را خیلی وسیع
در نظر گرفته‌ایم، یعنی گفته‌ایم تمام اختیارات گذشته را
به شورای شهر بدهیم که بتواند براساس آن اقدام بکند.
در مورد شورای دهستان، محدودتر کرده‌ایم و در رابطه
با شورای روستا باز محدودتر کرده‌ایم. بعضی از
اختلافات را می‌تواند به عنوان حکم حل کند (که
می‌کند)، در دهستان می‌تواند انتصاب دهدار کند که البته
آنهم باز اختیارش ماند که ما در اینجا نیاورده‌ایم
(شخص دهدار را) - و جزو مواردی است که بعداً باید
روشن بشود. با این روالی که گذاشته‌ایم، بعید می‌دانیم
مشکلی پیش آید، ولی در عین حال بالاخره روحیه یک
انسان مطرح می‌باشد، ممکن است در جایی مسئول
اجرایی مشکل داشته باشد که برخورد می‌کنیم و یک
جایی هم شورا مشکل داشته باشد که باز هم برخورد
می‌کنیم.

مجلس و پژوهش: از اینکه
وقتتان را در اختیار ما گذاشتید

- شورای شهرستان
موظف است نارسایی ها و
اشکالات نهادها و سازمان ها
را به مسئولان مربوطه ابلاغ و
در صورت عدم توجه
درخواست توبیخ یا برکناری
آنان را با ذکر موارد تخلف و
نارسایی از مسئولان بالاتر
بنماید.

۱۴-۵- مواد ۳۹ و ۴۰

قانون در خصوص شورای
اسلامی استان، ترکیب اعضا
و وظایف و اختیارات این
شورا می باشد. وظایف و
اختیارات مذکور عبارتند از:

- شورای استان موظف
است طرحها و پیشنهادهای
وارد از شورای هر شهرستان
را بررسی و مورد تبادل
نظر قرار داده، اولویتها را
تعیین و به مقامات مسئول
ارجاع نماید.

- رسیدگی و اظهار نظر
در باره برنامه عمرانیه و
نیازمندیهای شهرستانهای
تابعه استان و ارسال آن به
مسئولان مربوطه.

- عضویت در کمیته
برنامه ریزی استان بنا داشتن

سیاسگزار می کنیم و در مورد
پیشنهادتان در خصوص
«مرزبندی های اجراء و تقنین» نیز
در مرکز پژوهش ها انشاء الله بررسی
خواهیم داشت. قبل از خدا حافظی
و در پایان، جنابعالی اگر فرمایش
تکمیلی دارید، بفرمایید.

آقای عبدالله نوری: همین مسئله اخیر که اشاره
فرمودید به نظر من بسیار مسئله مهمی است، یعنی اگر
واقعاً به آن پرداخته شود خودش می تواند راهگشایی
باشد هم برای مجلس و هم برای دولت. اصلاً خیلی از
لوايح را ممکن است دولت بیاورد و مجلس برگرداند یا
حذف بکند و خود این یک روالی بشود. آنچه که
بنظر می رسد این است که آنجاهایی که اصل کار تلقی
می شود و باید به دست مجلس باشد، نباید دچار خدشه
بشود. نباید برداشت ما این بشود که نه! یک در میان برای
یکسری، شما تصمیم بگیرید، برای یکسری نه! اگر حتی
بنظر من می شود از مجموعه قوانین گذشته هم بهره برد،
از قوانین موجود دنیا هم بهره برد. چطور است که در دنیا
واقعاً در طول سال مجلس ممکن است بیست بار، سی
بار جلسه داشته باشد و ما اینقدر ما خودمان حرفی که
در جواب می زنیم این است که چون ما تازه داریم
قوانین مان را می نویسیم، این جلسات بخاطر آن است؛ و
حال آنکه این طور نیست! ما الآن اکثر قوانینی که استفاده

حق یک رأی.

- شورای استان در اجرای بودجه استان نظارت دارد؛ مقاطعه‌کساران و مجریان پروژه‌ها و طرحهای عمرانی باید مورد تأیید شورای استان باشد.

- اعضای شورای استان رابط بین شورای خود و شورای مادون می‌باشند.

۱۵-۵- از ماده ۲۱ لغایت ماده ۵۲ قانون تشکیل شوراهای اسلامی کشوری در مورد شوراییعالی اسلامی استانها، ترکیب اعضا و حدود وظایف و اختیارات آن می‌باشد. وظایف و اختیارات شوراییعالی استانها به شرح زیر می‌باشد:

- شوراییعالی استانها مکلف است ظرف مدت سه ماه از تاریخ تشکیل، آئین‌نامه‌های داخلی شوراهای را تهیه و پس از تصویب جهت اجرا به کلیه شوراهای ابلاغ نماید.

- شوراییعالی استانها موظف است طرحها و پیشنهادهای راصله از طرف

می‌کنیم، همان قوانین گذشته است، اشکالی هم ندارند، یعنی قوانین خوبی است. اگر چه مجریانش بدبودند، قوانین‌شان قوانین خوبی است. موازیدی هم هست که اصلاح می‌شود. شما بررسی بکنید، الآن دوره چهارم است. سیزده سال است که ما مجلس داریم، در این سیزده سال قوانین مادری که ما تصویب کرده‌ایم، چقدر است؟ ما قوانین را اصلاح کرده‌ایم، شش ماه بعد دیده‌ایم که اصلاحیه گیر دارد، دوباره اصلاحش کرده‌ایم! در انتخابات ریاست جمهوری، ما اصلاحیه به مجلس آوردیم که تصویب شد. همانجا یکی از آقایان پیشنهاد داد: یک جمله به اینجا اضافه کنید، کار ما گیر کرد! بعد ما با حاج آقا ناطق صحبت کردیم که این مشکل پیدا شده! گفتند (به تعطیلات هم برخورد کرده بود ما هم می‌خواستیم کارمان را انجام بدهیم): خیلی خوب، شما بلافاصله بعد از تعطیلات بیاورید تا همان جمله‌ای را که اضافه شده حذف کنیم تا این‌گیر برطرف بشود، یعنی گاهی هم اصلاح اینطوری می‌شود. بنظر می‌رسد اگر واقعاً روی مسئله کار بشود، شاید به جای خوبی برسیم. مجلس سوم یادتان هست، روزهای آخر دوره سوم که بحث انتخابات مجلس چهارم مطرح بود، چه چیزهای عجیب و غریبی آورده بودند، مثلاً کسی پیشنهاد می‌داد که پلاکارد باشد یا نباشد؟! بعد از او پرسیدند که پلاکارد چه هست؟ گفت همین کاغذهایی که... (تراکت را با پلاکارد اشتباه کرده بود). حالا اینطرف هم ما هستیم که گنج می‌شویم، چکار بکنیم. اصلاً نمی‌توان یکسری از اینها را اجرا کرد (به این ریزی که

شوراها را بررسی و مورد تبادل نظر قرار داده، اولویت‌ها را تعیین و به مقامات اجرایی ابلاغ نماید.

- شورای عالی اسلامی استانیها مسووظ است نارسایی‌ها و اشکالات نهادها و سازمانهای اجرایی را به مسئولان مربوطه ابلاغ نماید.

- شورای عالی اسلامی استانیها مسووظ است طرحهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی، آموزشی، اداری، خدماتی و نظایر آنها را که از سوی شورای استانیها در جهت جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری و ایجاد هماهنگی میان استانیها رسیدگی، مورد بررسی قرار دهد و در صورت تأیید، به عنوان طرح قانونی به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.

- شورای عالی استانها در تنظیم برنامه و بودجه عمرانی استانها مشارکت دارد.

- شورای عالی استانها می‌تواند در جهت جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری و

گفته می‌شود)، مثلاً عکس اینجوری و دو تا باشد. یک چیزی در مجلس سوم بود که برای عکس تصویب شد که بیش از دو نوع عکس نمی‌تواند استفاده بکند! مرتب خود آقایان کاندیداها به ما مراجعه می‌کردند که این بیش از دو نوع عکس منظور چیست؟ خوب ما هم نمی‌دانستیم که منظور چیست؟ و اصلاً اجرا هم نکردیم! اصلاً نمی‌توانستیم، یعنی مثلاً اگر یک عکس با میکروفون دارد و یک عکس هم در اجتماع این دو نوع است؟ یا...

اگر بناست واقعاً این نکات باشد، بگذارند یک جای دیگری اینکار را بکند، اصلاً در حد شئونات مجلس نیست، از آیین‌نامه هم پایین‌تر است، یعنی به وزارت کشور بگویند که اینها را بخشنامه بکن، من نمی‌کنم! بعد می‌آییم اینها را در متن قانون می‌بریم و قانونگذار می‌گذراند، اما اینطرف که آمد ما می‌مانیم که یکی بیاید بگوید که اینها را چه طور اجرا بکنیم! از اینها خیلی زیاد داریم، آنوقت خود اینها چه قدر وقت می‌گیرد! اما اینکه یک وقت از اینطرف بگوییم خوب حالا که اینجور است پس فلان هم نیاید، فلان هم نیاید، نه! آن طرفش هم باید حتماً همه آن اصول جدی و کلی در دست مجلس بماند، یعنی اینکه تصمیمات کلان را باید در آنجا بگیرند.

در مورد نگارش لایحه هم می‌خواستیم عرض کنم که توجه بفرمایید این را دولت تنظیم کرده است، اصلاً تنظیم ما این نبوده است. مثلاً یک موردش را که من الآن

ایجاد هماهنگی میان استان‌ها پیشنهاد تغییر طرح یا جایجایی بودجه عمرانی استان‌ها را در چارچوب مقررات مربوطه بنماید.

- شورای عالی استان‌ها در اجرای برنامه و بودجه عمرانی نظارت داشته و دستگاه‌های مربوطه موظفند گزارش ماهانه و سالیانه و هزینه پیشرفت کار عمرانی خود را به اطلاع شورای عالی برسانند.

- شورای عالی استان‌ها حق دارد در حدود وظایف قانونی، طرح‌هایی تنظیم نموده و تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید و نماینده شورای عالی اسلامی استان‌ها حق حضور در مجلس و دفاع از طرح را دارد.
- اعضای شورای عالی استان‌ها رابط بین شورای خود و شورای مادون می‌باشند.

۶- قانون اصلاح قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری و انتخابات شوراهای مزبور مصوب مرداد ماه ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی

در این قانون، علاوه بر اصلاح مواد ۱ و ۲ و ۳ و ۵ و تبصره ۲ ماده ۲۱ و مواد ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و بند ۴ ماده ۲۶ و مواد ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری مصوب ۱۳۶۱ و اضافه نمودن ماده ۲۶ مکرر (در مورد وظایف و اختیارات شورای اسلامی دهستان) نکات و مسائلی نظیر انتخابات شوراهای اسلامی کشوری، هیئت اجرایی و وظایف آن، نحوه اعلام داوطلبی، شکایات و نحوه رسیدگی، مقررات جزایی، هیئتهای نظارت منظور شده است. از نکات قابل ذکر در این قانون افزایش مدت اعتبار شوراهای اسلامی از ۲ به ۴ سال می‌باشد.

نگاه کردم ماده هفتاد است که به عنوان آخرین ماده آمده است. در این ماده ذکر شده است: «در کلیه قوانین و مقررات جاری که نام انجمن شهر برده شده و وظایف و اختیارات قانون آن ذکر شده، اصلاً این شاه بیت وظایف شورای شهر بوده و جایش آنجا، نه اینجا بود، یعنی در آنجا که ما تنظیم کردیم. بحث انتخاب، قسمت دوم است. تشکیلات و وظایف قسمت اول است که حدود سی و سه یا سی و چهار ماده است و الآن اینجا با هم آمده و ظاهراً در هیئت دولت وقتی می‌خواستند اینها را یکی کنند، فکر کرده‌اند که یکی شدنشان به این است که در هم ادغام بشوند و لذا یک چنین حالتی را پیدا کرده است.